

تحلیل شخصیت خاقانی در دیوان بر اساس نظریات روان‌شناسی آبراهام مزلو و

اریک برن

مه‌دخت پور خالقی چترودی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

الهه آرانیان

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

برای بررسی اثر ادبی که محصول ذهن آدمی است، می‌توان از روان‌شناسی به منزله علمی که به مطالعه ذهن آدمی و فرآورده‌های آن می‌پردازد، استفاده کرد. بیشتر پژوهشگران حوزه ادبیات فارسی افضل‌الدین بدیل خاقانی را انعطاف‌ناپذیر، خشک و خودستا معرفی کرده‌اند. از آن‌جا که دیوان اشعار خاقانی شروانی دربرگیرنده بخش مهمی از حوادث، وقایع و اتفاقات دوران زندگی اوست، می‌توان بخش‌هایی از آن را یک زندگی‌نامه خودنوشت دانست و با تحلیل روان‌شناسانه آن به جنبه‌های مهمی از شخصیت او دست یافت. در این مقاله سعی کرده‌ایم بر اساس نظریه روان‌شناسی اریک برن که بر پایه الگوهای سه‌گانه کودک، والد و بالغ (تحلیل رفتار متقابل) استوار است و نظریه روان‌شناسی آبراهام مزلو که ویژگی‌های شخصیت خودشکوفای (خلاقیت، روابط متقابل با دیگران، تجربه اوج، کیفیت کناره‌گیری و نیاز به خلوت، توجه به مسائل بیرون از خویشتن و...) را بیان می‌کند و با استناد به منابع تاریخ ادبیاتی که از زندگی خاقانی در دست است، به شناخت علمی‌تر و ثابت‌شده‌تری از او برسیم و با استفاده از هنر چهره‌خوانی و بر اساس نظریه ریموند کتل تصویر او را ترسیم کنیم و نشان دهیم که شخصیت خاقانی به شخصیتی بالغ و خودشکوفای نزدیک است.

کلیدواژه‌ها: خاقانی، تحلیل شخصیت، روان‌شناسی، آبراهام مزلو، اریک برن.